



سوره تین

مایک کری



نشر ناز

بهنام حاجی زاده

فصل یکم

آن قدر تقصیر را گردن این و آن می‌اندازند و بحث می‌کنند که دیگر خودشان هم خسته می‌شوند. سرانجام و پس از هزارویک تلاش ناموفق و نافرجام، روزالیند فرانکلین^۱ رهسپار سفر خود به سوی شمال می‌شود؛ تمام راه از بیکن^۲ در سواحل جنوبی انگلستان تا مراتع سرسبز کوهستانی اسکاتلند را طی می‌کند. کسانی که فکر می‌کنند روزالیند خواهد توانست این راه را بپیماید زیاد نیستند، ولی باین حال باز هم با گروه نوازندگان و تاج‌های گل بدرقه‌اش می‌کنند. احتمالی بس ناچیز را تشویق می‌کنند.

روزی^۳ منظره‌ای اعجاب‌آور و همچون نهنگی خشکی‌زی است، ولی اصلاً و ابداً بزرگ‌ترین وسیله‌ی نقلیه‌ای نیست که به حرکت درآمده. در سال‌های پیش از ویرانی، خانه‌های مجلل متحرک با موتور دیزلی کلاس الف، دست‌کم شانزده، هفده متری طول داشتند. روزی کوتاه‌تر از این حرف‌هاست: باید هم باشد چون صفحات زره‌اش بسیار ضخیم هستند و لاستیک‌هایش می‌توانند وزن محدودی را تحمل کنند. برای جا دادن خدمه‌ای دوازده نفره، مجبور شدند بعضی تجمعات را قربانی کنند. یک

^۱ Rosalind Franklin

^۲ Beacon

^۳ Rosie مخفف روزالیند